

معنای زمان‌شناسی و شناخت مخاطب

باسمه تعالی

۱- زمان‌شناسی به این معنا است که بفهمیم با نظر به شرایطی که در آن هستیم، خداوند در تاریخی که در پیش رو داریم؛ چه اراده‌ای کرده است و این همان «بصیرت تاریخی» یا «زمان‌شناسی» است که امام صادق^(علیه‌السلام) در باره‌اش می‌فرماید: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِلْسَّانَةِ»، بر انسان عاقل است که نسبت به زمانه‌اش بصیر باشد و مطابق شأن زمانه با زمانه و رخدادهای آن روبه‌رو شود و زبان خود را حفظ کند تا چیزی نگوید که در زمانه نمی‌گنجد و گرفتار زبان متافیزیکی گردد. زمان‌شناسی منجر می‌شود تا انسان‌های بصیر متوجه شوند نیاز زمانه چیست و خداوند در جواب‌گویی به نیاز زمانه با چه شأنی به ظهور می‌آید. در این رابطه قرآن می‌فرماید: «يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»^(الرَّحْمَن/۲۹) و این یعنی هر آنچه در آسمان‌ها و در زمین است از خداوند تقاضای برآوردن نیازهای‌شان را دارند و خداوند هر روز و روزگاری در شأنی است مطابق طلب و تقاضای هر آنچه در آسمان‌ها و زمین هست.

۲- وقتی انسان متوجه شود خداوند در زمانه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، چه امری را اراده کرده، آینده برایش روشن می‌شود و بر اساس حضور در آینده، شجاعت و همت در انسان اوج می‌گیرد، به همان معنایی که امام صادق^(علیه‌السلام) فرمودند: «وَالْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ» به کسی که زمانه خود را بشناسد، انحرافات و غفلت‌ها بر او هجوم نمی‌آورند.

اگر در رهبران بزرگ دینی مانند امام خمینی^(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) و رهبر معظم انقلاب^(حفظه‌الله‌تعالی) و پیرو آن، سرداران بزرگ جبهه مقاومت متوجه آن نوع همت و شجاعت هستیم، باید ریشه آن را در بصیرت تاریخی و زمان‌شناسی آن‌ها دانست و اگر آن‌ها در خود چنین اراده‌هایی را احساس می‌کردند به جهت آن بود که خداوند آن‌ها را شایسته تحقق اراده خود یافته بود و چون آن اراده، اراده‌ای الهی برای تحقق تاریخ جدیدی بود، مردم نیز

نسبت به آنچه حضرت امام و رهبر معظم انقلاب متذکر شدند و می‌شوند، بیگانه نیستند و گویا خود گمشده‌شان را در آن گفته‌ها و تذکرات جستجو می‌کنند و سعی می‌نمایند با پیروی از آن‌ها خود را در این تاریخ و ذیل اراده الهی بسط دهند.

۳- اگر عصر، عصر اراده الهی برای نفی استکبار است و تفکر در بستر حضور در تاریخی که به ظهور آمده ممکن است، آیا می‌توان گفت در حساس‌ترین شرایط نسبت به «تفکر» قرار دادیم و باید از خود پرسیم تفکر در این زمانه ما را به چه می‌خواند که اگر متوجه آن نشویم گرفتار اکنون‌زدگی و سرگردانی می‌شویم؟

مهم آن است که بدانیم «تفکر»، آن فهم ظاهری و آن عقل جزئی نیست که تصور کنیم در عصر ارتباطات و توسعه اطلاعات به دست می‌آید، بلکه تفکر حقیقی در این تاریخ، درک درست اراده الهی در این قرن است که قرن نابودی ابرقدرت‌ها است و در این رابطه می‌توانید به آیه ۴۴ سوره نحل فکر کنیم که می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ».

۴- مسئله و طلب بشر امروز در هویت اجتماعی‌اش برگشت به سیاست قدسی است، به همان معنایی که میشل فوکو در انقلاب اسلامی متوجه آن شد، تا انقلاب اسلامی حجتی باشد برای بشر امروز، در همان راستایی که امامان معصوم علیهم‌السلام حجت بشریت‌اند تا هر کس که به دنبال راهی است برای عبور از سیطره سکولاریته و اومانیسیم متوجه باشد راهی در میان است تا بتواند خود را به وسعت جهان معنویت، احساس کند و در همین راستا در امور اجتماعی نیز خود را بسط دهد.

۵- به نظر می‌آید می‌توان گفت بشر جدید به نحوی با روحیه نیچه‌ای در صدد نوعی بازخوانی نسبت به ناکامی‌هایی است که مانع حضور او در جهان‌انس و اشراق شده‌اند، و دیگر نمی‌خواهد آن موانع را تحمل کند و به دنبال صدایی است که صدای دیروز نباشد،

به دنبال صدایی است از جنس صدای انبیای الهی باشد و نه از جنس صدای مدعیان پیشرفت غربی که هر روز انسان را از ترس مرگ، می‌میرانند.

۶- امروز بشر می‌خواهد خود را در هستی و در جهان احساس کند، اباذروار به دنبال صدای حضرت محمد ﷺ است که نیوشای صدای فرشتگان الهی بود، تا جهانی را آغاز کند. به دنبال خدایی است که بتواند به وسعت او و ذیل حضور او در عالم حاضر شود. آماده است به این خدا گوش فرا دهد، نه تنها منکر این خدا نیست، بلکه سخت به دنبال او می‌باشد، تا ربط خود به او را در خود احساس کند، احساسی بسیار بالاتر از آن بودنی که زندگی را از آن دنیا داران کرده، بشر دیگری متولد شده که نسبت خود را با معنابخشیدن به جهان خود دنبال می‌کند، این نوع ارتباط با خود، اگر وسعت یابد طلیعه حضور در جهانی خواهد بود که از یک جهت، جهان خداوند است و از جهت دیگر جهان انسان.

۷- مسلم ما در شرایطی هستیم که انقلاب اسلامی و حضور تاریخی حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» دچار سوء فهم و سوء تعبیر شده، مثل آن که بعضاً آزادی و یا دینداری دچار سوء فهم و سوء تعبیر گشته و وظیفه ما است که در این شرایط تاریخی به بازخوانی آن انقلاب بزرگ دست بزنیم و گرنه با غفلت از حقیقت انقلاب اسلامی، در زندگی گرفتار افراط یا تفریط خواهیم شد. افراط در تجدد و تفریط در تحجّر. فریضه جهاد تبیین در این جا حرف‌ها دارد.

۸- حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» اراده کرده بودند تا در مقابل افراط متجددین سکولار و متحجّرین اسیر مناسک^۱، دیانت را به زندگی پیوند دهند، تا زندگی از

^۱ - حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» می‌فرمایند: باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده‌ها و جبهه رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌ها و در یک کلام، مصلحت پابره‌ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد

شورمندی واقعی بهره‌مند گردد و معنا پیدا کند و بشر جدید از پوچی و نیهیلیسم عبور نماید، زیرا اسلام و مسلمانی هنر خوب زندگی کردن و خوب مردن است.

۹- رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» در راستای تاریخی که با انقلاب اسلامی و در

مواجهه با بشر جدید در دیدار با روحانیون خراسان شمالی می‌فرماید:

«خودتان را مجهز کنید. مسلح به سلاح معرفت و استدلال کنید، بعد به این کانونهای فرهنگی - هنری بروید و پذیرای جوانها باشید. با روی خوش هم پذیرا باشید؛ با سماحت، با مدارا. فرمود: «و سنّة من نبیّه»، که ظاهراً عبارت است از «مداراة النَّاسِ»؛ مدارا کنید. ممکن است ظاهر زنده‌ای داشته باشد؛ داشته باشد. بعضی از همینهایی که در استقبال امروز بودند و شما - هم جناب آقای مهمان‌نواز، هم بقیه‌ی آقایان - الان در این تریبون از آنها تعریف کردید، خانمهایی بودند که در عرف معمولی به آنها می‌گویند «خانم بدحجاب»؛ اشک هم از چشمش دارد میریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است؛ جان، دلباخته‌ی به این اهداف و آرمانهاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقصهای این حقیر باطن است؛ نمی‌بینند. «گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستم / آیا تو چنان که می‌نمایی هستی؟». ما هم یک نقص داریم، او هم یک نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم میکند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد

نفرت. بنابراین با قشر دانشجو ارتباط پیدا کنید.» بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۱۹